

حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی:

امروز در کشور نیمه پر لیوان را نمی بینیم!

حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی فرزند یادگار امام (ره) به تازگی گفتگویی با روزنامه آرمان داشته‌اند که در این گفتگو مباحث مهمی از شرایط اقتصادی و سیاسی ایران مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نظر به نکات حائز اهمیت مباحث مطرح شده، این گفتگو را که سایت تابناک نیز نسبت به بازتاب آن اقدام کرده است انتخاب و به نظر شما خوانندگان عزیز می‌رسانیم.



و خوشنترها منتفی گردد. اوایل امسال یک انتخابات پرشور و کم سابقه را در کشور شاهد بودیم که طی آن رئیس‌جمهور منتخب ۲۴ میلیون رأی مردم را کسب کرد و رقیب اصلی نیز حائز ۱۶ میلیون رأی شد. چند ماهی از این اتفاق مهم ملی نمی‌گذشت که موج انتقادهای تند از دولت جدید از همه طرف آغاز شد و دی ماه نیز اعتراضات مذکور رخ داد. در این ماهها ابراز ناامیدی و ارائه تصویری کاملاً سیاه و مأیوس‌کننده از چهره جامعه، ترجیح بند کلام بسیاری از مردم و نخبگان و فعالان فضای مجازی شده است.

در این میان شخصیت‌هایی از جمله حضرت‌تعالی همواره از "امید" سخن می‌گویند؛ همانند سالهای پایانی دولت دهم که بر این مفهوم تأکید فراوان داشتید. واقعا در شرایطی که انواع فشارهای اقتصادی و خارجی بر کشور وارد می‌شود و بسیاری از مشکلات در سیاست داخلی حل نشده، چرا و چگونه می‌توان از امید سخن گفت؟

ببینید! برای اینکه بگوییم وضعیت خوب است یا بد، باید ببینیم آیا مسیری که داریم می‌رویم مسیر درستی است یا نه؟ دوم اینکه سرعت و شیبمان درست است یا نه؟ من فکر می‌کنم ما خیلی آیت‌های خوب داریم.

یکی از اشکالاتی که من این روزها حتی به رفقای خودم دارم از همین زاویه است. خدا رحمت کند دایی ما دکتر صادق طباطبایی را؛ ایشان

جمله زیبایی داشت که می‌گفت یک نفر پیش من آمد و به او گفتم که تو از زمره آدمهای خوش بین و یا بدبین هستی؟ یعنی نیمه پر لیوان را می‌بینی و یا نیمه خالی لیوان را؟ طرف به من پاسخ داد، من آدم واقع بین هستم. آقا صادق می‌گفت جواب دادم که هر دوی اینها واقع بین هستند؛ یعنی هم آن کسی که می‌گوید نصف پر است واقع را می‌گوید و هم آن کسی که می‌گوید نصف آن خالی است واقع را می‌گوید.

اتفاقی که امروز در کشور رخ داده این است که نیمه پر لیوانمان را نمی‌بینیم. یکی از این ابعاد مثبت نحوه برخورد مجموعه نظام با اعتراضات اخیر است. ببینید! از دعوای سال ۸۸ تا دعوای ۹۶ تفاوت‌های زیادی وجود دارد؛ حتی مثلاً در نحوه برخورد نیروی انتظامی. این برخورد به‌رغم این موضوع است که شعارهای این بار از انتهای مسیر شعارهای سال ۸۸ (یعنی تندترین شعارها) شروع شد.

بنابراین، به جد معتقدم که بحران روزگار ما بحران امید و اعتماد است. اگر نگاه جامعه به یک گروه، مجموعه یا دسته این باشد که آنها توان اداره کشور را ندارند (ولو اینکه آنها را انسانهای خوبی هم بدانند) هزینه‌های زیادی برای جلب اعتماد مردم باید پرداخته شود. در حالی که اگر این اعتماد وجود داشته باشد، می‌توان خیلی آسانتر رو به جلو حرکت کرد.

*همانگونه که می‌دانید، "اعتراضات دی ماه" بعد از انتخابات ۲۹ اردیبهشت، مهمترین اتفاق سال ۱۳۹۶ شمسی بود؛ در این خصوص تحلیل‌های فراوانی از سوی مسئولان و نخبگان علمی و سیاسی کشور ارائه شده است. تحلیل حضرت‌تعالی از این وقایع چیست؟

واقعیت این است که تحلیل‌های خوب و همچنین تحلیل‌های بدی را می‌توان از وضعیت فعلی جامعه ایران و حوادثی که اشاره کردید بیان کرد که ممکن است هر دو به عنوان اینکه بخشی از واقعیت را بگوید، درست باشد.

یک تحلیل خوب در مورد این وقایع این است که جامعه ما درد را می‌فهمد؛ یعنی یک جامعه زنده است و در مواقعی که جمهوری اسلامی می‌رود تا خدای ناخواسته دچار شوک شود، با ابراز درد همه را هوشیار می‌کند. این اتفاق از سال ۱۳۷۶ افتاده و حتی من می‌توانم بگویم در سال ۱۳۸۴ هم به نوع دیگری افتاده است؛ در ادامه در سالهای ۸۸ و ۹۲ نیز این ابراز درد را شاهد بودیم.

در حوادثی چون کوی دانشگاه (۱۳۷۸) هم این رفتار جامعه را شاهد بودیم؛ یکی از این اتفاقات هم حوادث اخیر است. این وقایع نشان می‌دهد که این جامعه زنده است؛ جامعه زنده وقتی درد می‌کشد فریاد می‌زند؛ در حالی که در دیکتاتوری‌ها و جوامع بسته این ابراز درد را نمی‌بینیم و سیستم به شکل ناگهانی فرو می‌پاشد.

از این حیث حوادثی چون اعتراضات دی ماه می‌تواند یکی از علائم مثبت جامعه ما باشد؛ وقتی مردم ما مانند جوامع دیگر که به صورت شخصی و یا به صورت گروه‌های مرجع (مثل احزاب، تشکل‌ها، سندیکاها)، می‌توانند نسبت به حوادثی حتی بالاتر از نقد، اعتراض کنند و حتی یک پله بالاتر، تخطئه‌های خیلی جدی کنند، اتفاق خوبی است و به نظر من نباید این امکان را از جامعه گرفت، بلکه باید سعی کرد عوامل رسیدن به این نقطه را از بین ببریم.

اینکه مردم وقتی از موضوعی به درد آمدند، داد بزنند و اگر از صنفی خوششان نیامد بتوانند بایستند و پرخاش کنند، خیلی بهتر از این است که یک روز دیگر به جایی برسیم که بازگشتی نداشته باشد. لذا من فکر می‌کنم با این دید مثبت هم می‌توان به کشورمان نگاه کنیم. اما از جهت منفی هم این اعتراضات ضعف‌های مهمی را نشان داد که اگر به آن توجه نشود می‌تواند در آینده بحران ساز شود. راه‌های بسیاری هم برای حل آن هست ولی همه آنها از مسیر داخل شدن بیشتر و بیشتر مردم در ساختار تصمیم‌سازی و اجرا می‌گذرد.

به نظر می‌رسد که عکس‌العمل مسئولان به این فریادها باید سریع و مناسب باشد و گرنه ممکن است اعتراضات یا بیان دردها به خشم و نفرت بیانجامد که پرهزینه‌تر خواهد شد. وانگهی راهکارهای مدنی‌تر برای این اعتراضات باید ارائه و عملی شود که زمینه اغتشاشها

ما ایران را و
جمهوری اسلامی
را تا سر حد
پرستش دوست
داریم!